

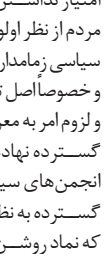
تأملی در جمهوریت نظام اسلامی، عوامل و تهدیدها

انقلابی که مردمی بوده، هست و باید بماند



■ نقش آفرینی مردمی و تودهای طبق قانون اساسی
یکی دیگر از عواملی که به مشارکت مردم در روند پیمایش مسیر انقلاب اسلامی، کمک کرد ظرفیت قانونی و بستر شکل گرفته حقوقی بود که قانون اساسی در آن حقوق فراوانی به مردم اعطا می کرد.
قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون اساسی دستخورده مشروطیت را به کلی عوض کرد و بنایی حقوقی برای نظامی تشکیل داد که مردم قرار بود به عنوان «همه کاره» (به تعبیر رهبر نهضت) در آن نقش داشته باشند. قانون اساسی که حتی بنا بر ضوابط دموکراتیک غربی نیز که از دیدگاه اسلامی الزاما مورد تأیید نیست، حقوق اساسی مردم نظیر مشارکت همه جانبه را تعبیه کرده بود و جزو مترقی ترین قوانین اساسی کشور به حساب می آمد.

مهم ترین نمود ظرفیت مشارکت مردمی توسط قانون اساسی، «حق تعیین سرنوشت کشور» است که از طریق حضور مردم برای انتخاب کارگزاران حکومت از بالاترین مقام کشور تا سایر مقامات در آن دیده شده بود. «حق حاکمیت مردم» جزو اولین مباحثی بود که در قانون اساسی گنجانده شد و این مسئله مهم در سایر مواد قانون اساسی از طرق مختلف تضمین شد. از جمله مشارکت مردم در امور عمومی از جمله همه پرسنل ها و انتخابات ها، امتیاز نداشتن زمامداران و کارگزاران حکومت با بقیه مردم از نظر اولویت تأمین حقوق اساسی، مسئولیت سیاسی زمامداران جهت جلوگیری از اعمال قدرت مطلق و خصوصاً اصل تفکیک قوا، اصل نظارت همگانی و مردمی لزوم امر به معروف حکومت توسط مردم، اجازه فعالیت گسترده نهادهای مردمی نظیر احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی یا صنفی و اقلیت ها، اعطای حقوق گسترده به نظام پارلمان در ساختار جمهوری اسلامی که نماد روشن و تجلی مردمی بودن است، همه و همه



■ یکی از راهبردهای اساسی دشمنان برای نابودی وجهه مردمی نظام، راهبرد مقابل یکدیگر قرار دادن گروه های مردمی است. کشور ایران از تنوع سلسلای بیشماری در حوزه های مختلف برخوردار است که می تواند فی نفسه برای کشور مفید باشد و حتی مزا یابی چون رقابت و پویایی به همراه داشته باشد، لکن در عین حال دشمنان مترصد آن هستند که از این فرصت برای نظام یک تهدید بساخته و گروه های مختلف مردم را مقابل هم قرار دهند. جامعه اسلامی را یک روز در دعوای مذهبی و روز دیگر مردم ایران را در نزاع قومیتی به هم مشغول کند تا بتوانند اختلافات موجود را به ضعف جمهوریت نظام تعبیر کنند

پس از انقلاب اسلامی نیز، شکل گیری نهادهای مدنی و اجتماعی به دست مردم در انقلاب اسلامی سبب شد هرچه بیشتر رنگ مردمی به نهضت زده شود. مشارکت اولیه مردم در ساخت نهادهای نظیر جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته انمداد خمینی و بنیاد مستضعفان که تماماً توسط انقلابیون تأسیس و به منظور پیشبرد اهداف نظام در راستای تحقق عدالت اجتماعی آغاز به عمل نمودند نمونه ای از مشارکت اساسی مردم در مدیریت نهادهای انقلاب-ساخت بودند. در مدتی که این نهادها مستقیماً توسط مردم اداره فارغ از روندهای بروکراتیک مدیریت می شدند در بازه کوتاهی به نعل به اهداف خود بسیار موفق بودند. انقلابیون در قالب گروه های جهاد سازندگی به نقاط محروم سراسر کشور گسیل شدند تا با ساخت راه و تأسیس نیازهای زیرساختی مستضعفین گام هایی در مسیر عمل به شعارهای انقلاب مردمی شان بردارند. کمیته های سپاه امنیت را به میزان خوبی خصوصاً با توجه به توطئه های همه جانبه دشمنان در آن برهه حساس، برقرار کرده بودند. این رویکرد باعث شده بود همه در روند انقلاب عمیقاً به این مسئله باور پیدا کنند که نظام، به راهبرد توزع فضایی قدرت و واگذاری امور مردم به آنان بر اداری بهتر جامعه باور دارد.

هرچند رفته رفته دولت استیلائی خود را بر این نهادهای عمومی گسترد و برخی از این نهادها به دام های اداری و رسمیت سازمانی مستحیل شدند، اما این تجربه به عنوان سندی از مردمی بودن نهضت اسلامی در تاریخ ثبت شد و نتایج موفق ناشی از آن مهر تأییدی بر این گزاره بود که در انقلاب اسلامی، هر جا مردم مستقیماً برای رف نیازها و مدیریت عرصه ها به کار گرفته شدند نتایج جهادی و پررورتری را شاهد بودیم.



صراط

جمهوریت نظام، منوط به حضور جنابعالی نیست!

ذهن این ملت و در این نظام، خدا و مردم در طول هم قرار دارند و خدای متعال این توفیق را داده است که مردم این راه را طی کنند. عده ای بیایند بگویند اگر مائشیم ما اگر فلان طور نباشد، اسلام نابود می شود؛ یک عده هم بیایند بگویند اگر مائشیم یا اگر فلان طور باشد، جمهوریت و مردم سالاری از بین می رود؛ نه، اینطور نیست که جمهوریت منوط به حضور شما باشد. این ملت، این نظام، این چارچوب و این قانون اساسی توانسته است هم اسلام را تضمین کند و هم جمهوریت را.

بیانات رهبر انقلاب در خطبه های نماز جمعه ۸۲/۱۱/۲۴



ملت باید با وحدت و اتحاد کلمه آنچه را که صلحت اوست، انجام دهد این راهم بنده به هیچ وجه موافق نیستم که یک عده بگویند اگر فلان طور نباشد، اسلام از بین خواهد رفت. یک عده هم بگویند اگر فلان طور نباشد، جمهوریت

از بین خواهد رفت؛ نه آقا، این حرف ها نیست. در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همرا است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و اسلام ما اجازه نمی دهد در این کشور مردم سالاری نباشد.

ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املا کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است. در

درنگ

بررسی نقش جهان بینی سیاسی افراد در نگرش آنها به نظام بانکی

بانکها چرا بی آبرو هستند؟

از دیدگاه جمهوری خواهان کلاسیک، بانکها همچنین می توانستند به عنوان ابزارهایی برای دست کاری و ثروتمند ساختن خود، در دست نخبگان پشت پرده، عمل نکنند. در اوایل قرن نوزدهم، شایعاتی در خصوص واکنش های پهنکم خانواده بانکدار روچلید به شکست ناپلئون در واترلو موجب بروز چیزی شد که به موضوع مورد علاقه راست ضدبهبودی بدل شد. این ایده که دسته کوچکی از بانکداران یهودی، به وسیله اعتبار و وام، کنترل رفراندوم های تاریخ جهان را در دست دارند. البته در حقیقت، واترلو و سقوط ناپلئون تا حد زیادی ناتان مایر روچلید را ورشکسته کرد. باوجوداین، تصورات کلیشه ای دیرینه در مورد یهودیان، به عنوان قرض دهندگان پول، به علاوه فهم نوینباید از قدرت بانکداری سازمان یافته، نظر به های توطئه محور بیشتری را بر او براند که مدعی بودند بانکداران کنترل رخدادهای سیاسی را در دست دارند.

از اوایل قرن نوزدهم، بانکها رونق گرفته و به بنیان زندگی اقتصادی مدرن بدل شده‌اند، اما دل نگرانی مربوط به آنها هنوز ناپدید نشده است. در طول قرن نوزدهم، ایده مطلوب مالکیت مستقل که جمهوری خواهان کلاسیک از آن پشتیبانی می کردند، به تدریج از میان رفت. دعوض، کار کارخانه های به شکل ایده آل ارزش شد و ورای آن، مالیه مشکوک و ساختگی تلقی می شد.

■ بی اعتمادی به بانک، وجه مشترک طبیفای سیاسی

چنانکه در پرتو این تاریخ طولانی دیده می شود، بی اعتمادی کنونی به بانکها که از سال ۲۰۰۸ عسار بر جسته شده است، کمتر به عنوان واکنشی بدیع به دوران تحول تغییر ما و بیشترین به عنوان آخرین فصل از ناسازگامی دیربای اعتماد و اعتبار ظاهر می شود. بر پایه تجربه روزه مره، اکثر ما به اندازه کافی به بانک اعتماد می کنیم و ترجیح می دهیم پول خود را در حسابی بانکی بگذاریم تا آن را مثلا در تشک جاسازی کنیم. بااین حال، از نظر شدت پریشانی و انزجاری که بانک موجب آن شده است، هیچ یک از چنین نهادهای سرمایه دارانه رانمی توان با آن مقایسه کرد.د نظرسنجی ها نشان می دهد که در سال ۲۰۱۰ صرفاً ۱۸ درصد امریکایی ها به بانکها اعتماد داشته‌اند. «سنجه اعتماد ادملن» در سال ۲۰۱۵ (پیمایش سالانه میان صانع عمده، تنها «سهانه» از بانکداری و مالیه مستخدمان اعتماد بوده است.

بدگمانی به بانکها در میان طبیف های سیاسی مختلف وجود دارد. نظر گاه های سیاسی متفاوت گرایش دارند که بسر وجوه متفاوت انتقادهای اصلی بر بانکها درنگ کنند. چپ ها مالیه را به نمانی پیوند خورده با گروهی معهود و انگلوار از سسودجویان در نظر می گیرند، سسودجویان که تا حد زیادی بیگنازند. اینها بیشترین جمهوری خواهان کلاسیک دپروزی، بانکها را مقصر جمل کردن ارزش ساختگی و ممانعت از کار لیدشمندان ضرورشنگرکی، همچون جرمی بنتام و آنه رالرت ژاک تورکو، بر می مال، رکن دوس بوری قویمی تها و مئابھ آن است که ضمن بر خور داری از حق مساوی برای ابراز عقاید، زمینه برای شکل گیری وحدت ملی در سایه همه تفاوتها پدید آید.

■ مقابله هم قرار دادن مردم
یکی از راهبردهای اساسی دشمنان برای نابودی وجهه مردمی نظام، راهبرد مقابل یکدیگر قرار دادن گروه های مردمی است. همان طور که در مورد فوق اشاره شد، کشور ایران از تنوع سلسلای بیشماری در حوزه های مختلف برخوردار است که می تواند فی نفسه برای کشور مفید باشد و حتی مزایایی چون رقابت و پویایی به همراه داشته باشد، لکن در عین حال دشمنان مترصد آن هستند که از این فرصت برای نظام یک تهدید ساخته و گروه های مختلف مردم را مقابل هم قرار دهند. جامعه اسلامی را یک روز در دعوای مذهبی و روز دیگر مردم ایران را در نزاع قومیتی به هم مشغول کند تا بتوانند اختلافات موجود را به ضعف جمهوریت نظام تعبیر کنند. حوادث سال ۸۸ و تلاش برای مقابل هم قرار دادن گروه های مردم از آخرین نمونه های برنامه ریزی دشمن برای تضعیف جمهوریت نظام بود که البته به واسطه حضور مردم و قیام آنها در پاسداشت از ارزش های مورد اتفاق نظام و با محوریت ولایت، با شکست سنگینی مواجه گردید.

■ کارشناس ارشد علوم سیاسی
انسان بروز دهند. در سال های دهه ۷۰ این مسئله به نوعی بحران تبدیل شده بود و طیف حاکم، مدعی بود از آنجا که افرادی بهتر از ما شایستگی اداره جامعه اسلامی را ندارد، لذا سطح انتقادات و انتظارات از کارگزاران حکومت نباید زیاد باشد و حتی صحبت مسائلی چون مادام العمر نداشتند و این تمامیت خواهی به مثابه پنکی سهمگین بر آن رفتار سرخوردگی عمومی مردم و ثبت پایین ترین رکورد مشارکت سیاسی در انتخابات پس از جمهوری اسلامی بود.

در حوادث و فتنه انتخابات سال ۱۳۸۸ نیز، مشابه همین مسئله واقع شد. برخی که اصطلاحاً خود را «لیت» می دانستند، تحمل اقبال مردمی به گزینه غیر خودی را نداشتند و این تمامیت خواهی به مثابه پنکی سهمگین بر جمهوریت نظام فرود آمد. غائله ای که نهایتاً هم با حضور همین توده های مردمی رو به زوال رفت.

هم اکنون نیز، اینکه معدودی از کارگزاران نظام، حق خود را فراتر از عموم انگاشته و برای خود به صورت تبعیض آمیز از سفره انقلاب، سهم بیشتری طلب کنند عامل از رفتن حسن عدالت و جایگزینی احساس ناخوشایند تبعیض در میان مردم و در نهایت به تضعیف مردمی بودن نظام منجر می شود.

■ تحدید حقوق اساسی در عمل واکنفیه شعار
همانطور که اشاره شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ظرفیت عظیمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق آن توسط دولت پداه شود. طبیعتاً هموار کردن بستر مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.

طبیعی است که حقوق شهروندی و اساسی مردم ۳۷ سال است تحت قالب قانون اساسی مدون شده است و باز تعریف ظرفیت نظمی در دفاع از جمهوریت و اصل مردمی بودن نظام در خود دارد، به آن شرط که صرفاً در کتاب قانون محصور نماند و زیرساخت های اجرایی برای تحقق مشارکت سیاسی با رونق گرفتن احزاب در کشور ممکن است و مشارکت در امر اجتماعی و اقتصادی، در صورتی امکان پذیر است که نهادهای مردمی و ساختار های مردم نهاد مورد حمایت قانونی دولت قرار بگیرند.